



طه تهامی

#### اشاره

می فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»؛<sup>۱</sup> «بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم.»

با توجه به مطالب فوق، می توان گفت: امام راحل علیه السلام بعد از امامان معصوم علیهم السلام یکی از مصادیق کامل بصیرت و هوشیاری در رهبری ملت ایران و دنیای اسلام بودند. در این مقال، به ذکر چند نمونه از بصیرت در روش و منش سیاسی آن پیر سفر کرده

در ادبیات دینی ما «بصیرت» برابر با بینش، فهم عمیق، درک قلبی و آگاهی است و همان گونه که در احکام شرعی نیز وارد شده است یکی از شرایط مرجع تقلید به نحو خاص و از جمله شرایط رهبری و پیشوایی به نحو عام، بصیرت و آگاهی کامل از مسائل عبادی - سیاسی است. این مطلب به گونه شفاف و روشن، ضرورت و اهمیت موضوع را می رساند.

قرآن کریم نیز به این موضوع به عنوان ویژگی یک رهبر و داعی به خیر و هدایت اشاره دارد؛ آنجا که

۱. یوسف / ۱۰۸.

چهره‌های دروغین را از آن دوران می‌شناختند و انحراف آنها برای امام نمایان بود، علی‌رغم دفاع آن آقایان و بسیاری از مردم که ندانسته آنها را مورد ستایش قرار می‌دادند، آنها را رد می‌کردند و در هر صورت گذشت زمان بصیرت و بینش امام را برای آن آقایان روشن ساخت.<sup>۲</sup>

### ۳. نظارت بر فیلمهای تلویزیون

«حضرت امام علاوه بر اخبار، فیلمهای تلویزیون را نیز گاهی مشاهده می‌فرمودند تا خط مشی مسئولان برای ایشان روشن شود. گاهی از بعضی برنامه‌ها تعریف می‌کردند و گاهی نیز شدیداً از نمایش برخی برنامه‌ها انتقاد می‌فرمودند؛ مثلاً وقتی که مسئولان صدا و سیما نزد ایشان آمده بودند، حضرت امام فرمودند که شما در خلال سریال با آنکه زن گریم شده داشتید، اما در

از زبان برخی بزرگان اشاره می‌کنیم.

### ۱. زکات و تیزبینی

«در تمام عمرم فردی با زکات‌تر و هوشیارتر از حضرت امام ندیده‌ام. در همین زمینه، نقل می‌کنند امام آن قدر از هوش و زکات برخوردار بودند که از آنچه در ضمیر و ذهن انسان مترتب می‌شد، آگاه بودند و در مقابل ایشان هیچ چاره‌ای به جز توسل به صداقت کلام نبود.»<sup>۱</sup>

### ۲. روشن بینی

«روزی دو نفر از شاگردان و مشاهیر برای زیارت امام به محل اقامتشان، شهرستان محلات، آمده بودند. در آن ایام گروه خاصی مطرح بودند که در رأس آنها مصدق بود که توجه مردم را به خود جلب کرده بود و آنها می‌پنداشتند که ضد امپریالیسم و ضد رژیم کسی است که وابسته به آنان باشد. آن روز امام سخنی در رد آن گروه بیان فرمودند. آن آقایان گفتند: «از شما بعید نیست که بر علیه این جمعیتی که چنین و چنان هستند، صحبت کنید. اینان مردم وطن دوست و انقلابی هستند.» ولی امام که این

۱. حجة الاسلام والمسلمین امام جمارانی، به نقل از: روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه نامه اربعین رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام.

۲. آیه الله محمد رضا توسلی، به نقل از: مجله پاسدار اسلام، شماره ۱۲، ص ۵۵.

تیتراژ و در معرفی گریم کنندگان فقط  
مرد گریم کننده بود.»<sup>۱</sup>

#### ۴. هادی همیشگی

«امام به دلیل هوشیاری هیچ گاه  
خود را در مسیر موجها و نسیمهای  
مقطعی و انحرافی قرار ندادند و  
همیشه نقش ناظر یا هادی و کنترل  
کننده حوادث را به عهده داشتند. ایجاد  
تشکیلات و گروههای سیاسی و تولد  
یافتن سازمانهای به ظاهر انقلابی و  
نفوذ آنان در اقشار مختلف و قبضه  
کردن فرهنگ جامعه در چهره ملی  
گرایی و یا به اسم مجاهدین خلق و  
طرفداران اسلام راستین که در صورت  
بروز یک موج انقلابی و تغییر رژیم و  
سیاست مجدداً بتوانند از کانال  
آنها حکومت را قبضه کنند و راه را  
برای استعمار جدیدی هموار سازند؛  
لذا حتی از پیش، رؤسای جمهور و  
وزراء را نیز تعیین می کردند.

مسئلاً تشخیص این چهره‌های  
پلید و منافق صفت کار آسانی نبود،  
بلکه از بزرگ‌ترین مشکلات بود.  
نمونه بارز آن جریان منافقان در نجف  
بود که آنها با ایجاد زمینه‌های کاملاً

مساعد و حساب شده و بدون مطرح  
کردن شناخت خود از مبدأ و معاد و  
رسالت، در سطح عموم مردم موفق  
شده بودند حمایت اکثریت قریب به  
اتفاق شخصیتها و رجال علمی و  
سیاسی در متن مبارزه را به خود جلب  
کنند و آنان می خواستند از این طریق  
در جلب حمایت امام از آنان سند  
اعتبار و پشتیبانی دریافت کنند؛ اما امام  
با تأمل و بصیرت با آنان برخورد  
می‌کنند و چهره زشت آنان را از  
لابه‌لای دهها پرده فریب و نیرنگ و از  
متن نوشته و آثار آنان کشف می‌کنند و  
بعد از آن همه کوشش و تلاش و این  
طرف و آن طرف زدن منافقان، با یک  
جمله کاخ آمال و آرزوهای کثیف آنان  
را در هم می‌ریزد و آن اینکه: «شما به  
همین اندازه که من در طرد و نفی شما  
سخن نمی‌گویم، راضی باشید!»

از مرحوم علامه شهید آیه الله  
مطهری نقل شده است که فرمود: اگر  
امام آن روز در تأیید و حمایت آنان

۱. حجة الاسلام و المسلمین محمد علی  
انصاری، به نقل از: ویژگیهایی از زندگی امام  
خمینی علیه السلام، ص ۳۷.

می‌رسید و استقلال کشور در معرض خطر قرار می‌گرفت که هر چه فریاد داشتند، بر سر جیره خواران استعمار می‌کشیدند و به مصداق «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»<sup>۱</sup> نسبت به شاگردان، به خصوص مهمانان و کسانی که به منزل ایشان وارد می‌شدند، نهایت تواضع را داشتند.<sup>۲</sup>

۶. خرید روزنامه مقدم بر خرید نان و

#### پنیر

«حضرت امام از ابتدا فردی انقلابی و آگاه به مسائل روز بودند. در دوره طلبگی که حجره‌ای در مدرسه فیضیه داشتند، همه می‌دانستند که از ساعت ۱۱ صبح به بعد کسی حق ندارد با ایشان ملاقات کند؛ زیرا در این ساعت می‌بایست روزنامه‌های منتشره را مطالعه کنند. ایشان با اینکه روزی یک ریال شهریه می‌گرفتند، یعنی ماهی سه تومان، ولی با این پول خرید روزنامه را مقدم بر خرید نان و پنیر و

سخنی فرموده بودند، ما امروز هیچ چیز نداشتیم. به خوبی روشن است که اکثر چهره‌ها از آنان حمایت می‌کردند و تنها امام باقی مانده بودند که امید آنها را به یأس و حرمان مبدل ساختند تا انقلاب پیروز شد.»<sup>۱</sup>

#### ۵. حساسیت نسبت به تصویب قوانین

در سال ۱۳۴۲ ش که انقلاب آغاز شد، حضرت امام در عین اینکه شبانه روز حداقل دو ساعت درس می‌فرمودند و برای این دو ساعت درس، حدود پنج ساعت مطالعه لازم داشتند و غالباً تا نیمه شب برای پاسخ به نامه‌ها، تلگرافها و پاسخ به کسب تکلیف کنندگان نمی‌خوابیدند که همه این مسائل اعصاب را خسته و هر فرد عادی را خیلی زود از پا در می‌آورد و به خصوص در درس و بحث و برخورد با مردم انسان را با عصبانیت مواجه می‌سازد، ایشان با کمال اطمینان خاطر و آرام، مسائل را مطرح می‌فرمودند و هیچ‌گاه در مسائل عادی عصبانیت از معظم له دیده نمی‌شد؛ اما عصبانیت امام موقعی آشکار می‌شد که قوانین خلاف اسلام به تصویب

۱. همان، ص ۱۱۰.

۲. فتح / ۲۹.

۳. حجة الاسلام والمسلمین مصطفی زمانی، به نقل از: پایه پای آفتاب، ج ۳، ص ۱۸۰.

کشور مسلط بودند و از سخنان مسموم دشمن آگاه می شدند و به موقع پادزهر لازم را می ریختند و تبلیغات دشمن را خنثی می کردند.<sup>۲</sup>

#### ۸. صدای انقلاب اسلامی

«به یاد دارم روزهای اول پیروزی که تازه رادیو و تلویزیون را فتح کرده بودیم، گوینده‌ها از طریق صدا و سیما اعلان می کردند: «اینجا صدای انقلاب راستین ایران است.» ما خوشحال بودیم؛ زیرا رادیویی که مرتب کلمه شاهنشاهی می گفت، حال حرف از انقلاب راستین ملت ایران می زد. اصلاً به فکرمان نمی رسید که این عبارت غلط است؛ ولی حضرت امام ما را خواستند و با قاطعیت فرمودند: این انحراف است، باید بگویند: «صدای انقلاب اسلامی.» و به ما فرمودند: «می فرستید و خودتان هم می روید و یک نفر از خودتان آنجا می گذارید؛ حتی اگر درگیری هم شد، اگر تعداد

غذای روزانه می دانستند و تا ظهر مشغول مطالعه مطالب سیاسی بودند و بدین وسیله، در جریان مسائل روز قسراً می گرفتند؛ لذا زمانی که کاپیتولاسیون یا مسئله انجمنهای ایالتی و ولایتی مطرح شد، ایشان دارای موضعی روشن بودند؛ یعنی جنگ با استکبار. و لذا ضربه مهلک را در زمان مناسب به سر استکبار جهانی فرود آوردند.»<sup>۱</sup>

#### ۷. گوش دادن به رادیوهای بیگانه

«من در دفتر حضرت امام کار می کردم. ایشان در ایوان منزلشان نماز می خواندند. در ایام تابستان وقت اخبار رادیو B.B.C یک ربع به هشت شب بود که دقیقاً بین نماز مغرب و عشا واقع می شد. خودم دیدم که حضرت امام همین که اخبار مربوط به ایران و مسائل آن تمام شد، رادیو را بستند و نماز عشا را شروع کردند. با آنکه ایشان به نماز اول وقت و تعقیبات و مستحبات آن بسیار مقید بودند، اما از شنیدن اخبار رادیوهای بیگانه هم غافل نبودند. آری، این چنین بود که حضرت امام به اوضاع سیاسی

۱. آیه الله محمد آل اسحاق، به نقل از: پرتوی از

خورشید، ص ۲۸۷.

۲. برادر ابوبی، به نقل از: پرتوی از خورشید،

ص ۲۸۸.

خبری به امام بدهند، اما حضرت با هوشیاری، کامل‌تر از آن را به اطلاع آنان رسانیده‌اند.»<sup>۲</sup>

#### ۱۰. هوشیاری در ملاقاتها

«از جمله کسانی که با امام در پاریس ملاقات کردند، مهندس بازرگان و دکتر سبحانی، گردانندگان اصلی نهضت آزادی بودند که هر کدام با هیأتی آمده بودند. امام فرمودند: «من کسی را با عنوان حزب ملاقات نمی‌کنم. اگر آقایان با عنوان یک فرد ایرانی مثل تمام کسانی که با من ملاقات می‌کنند، می‌خواهند بیایند، مانعی ندارد.» آنها قبول کردند و به ملاقات امام آمدند. جالب اینکه در هر باری که هر کدام از آقایان می‌خواستند با امام ملاقات کنند، امام دستور می‌دادند که ما چند نفر در جلسه باشیم تا این موضوع در ذهنها نیاید که فلان گروه خصوصی با امام ملاقات کرده‌اند. و وقتی که

زیادی هم کشته شدند، مانعی ندارد. آنجا را تصرف کنید تا در خط انقلاب اسلامی حرکت کنند.» لذا من و آقای مطهری و آقای بهشتی و بعضی از دوستان دیگر مأمور شدیم به آنجا برویم و کار را اصلاح کنیم... این هوشیاری و توجه امام به حفظ خط و جهت انقلاب برای حیات و تداوم انقلاب خیلی مهم بود.»<sup>۱</sup>

#### ۹. اطلاع از اخبار زودتر از مسئولان

«بسیاری از مواقع خبرها از طرف دفتر به مسئولان داده می‌شد؛ مثلاً در جریان فرار بنی صدر، آقای فکوری (فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی که به شهادت رسید) آمد خدمت امام. از ایشان سؤال شد: هواپیمایی که دیشب رفت، چه بود و کجاست؟ آقای فکوری گفت: طبق اطلاع دقیق، الآن هواپیما روی آبهای مدیترانه حرکت می‌کند و معلوم نیست که کجا فرود می‌آید. امام فرمودند: «یک ساعت قبل هواپیما در پاریس نشسته است و بنی صدر و رجوی هم در آن بوده‌اند.» از این نوع حوادث خیلی زیاد بود که مسئولان خواسته‌اند

۱. آیه الله هاشمی رفسنجانی، به نقل از: جمعه

شاهد، شماره ۳، بهمن ۱۳۵۹.

۲. حجة الاسلام والمسلمین محمد علی انصاری، به نقل از: ویژگیهایی از زندگی حضرت امام خمینی علیه السلام، ص ۴۰.

تصمیم می گرفتند؛ مثلاً زمانی که رژیم طاغوت تصمیم گرفت که ساعت ۴/۵ بعد از ظهر روز ۲۱ بهمن را حکومت نظامی اعلان کند، امام به موقع، یعنی حدود نیم ساعت بعد از اعلان خبر، فرمودند: «حکومت نظامی لغو شود و همه مردم به خیابانها بیایند!» چنین شد و به دنبال آن سر و صدا و درگیری آغاز شد. انقلابیون به کمک بلندگو و با موتور و ماشینهای شخصی در خیابانهای تهران به راه افتادند و همه مردم را مطلع کردند تا علی رغم اعلان رژیم در خیابانها حضور جدی داشته باشند. البته بعد از انقلاب روشن شد که اگر این تصمیم به موقع گرفته نمی شد، همان شب محل اقامت امام و جاهای حساس دیگر بمباران می گردید.<sup>۴</sup>

۱. حجة الاسلام والمسلمین سید علی اکبر محتمی، به نقل از: روزنامه اطلاعات، شماره ۱۷۲۲۵، ۱۶ بهمن ۱۳۶۲.

۲. آیه الله خلخالی، به نقل از: روزنامه رسالت، شماره ۳، تیر ماه ۱۳۶۸.

۳. حجة الاسلام والمسلمین سید حسین عادل، به نقل از: اطلاعات هفتگی، شماره ۲۴۴۲.

۴. آیه الله هاشمی رفسنجانی، به نقل از: مجله شاهد، شماره ۳، بهمن ۱۳۵۹.

سید جلال تهرانی عضو شورای سلطنت به پاریس جهت دیدار با امام آمد، امام فرمودند: «تا وقتی که عضو شورای سلطنت است، با او ملاقات نمی کنم، مگر استعفا بدهد و مثل یک فرد عادی بیاید.» و او مجبور به استعفا شد تا بتواند با امام ملاقات کند.<sup>۱</sup>

«یکی از خصوصیات امام این بود که با هیچ کس خصوصی ملاقات نمی کردند؛ چرا که می فرمودند: «بعضی از اینها حرفهای مرا کم و زیاد می کنند.» لذا همیشه دو یا سه نفر از آقایان و شاگردان خودشان را در جلسه حاضر می کردند.»<sup>۲</sup>

«ایشان هرگز هیچ یک از ملاقاتها را در جای خلوت نمی پذیرفتند و در این موقع می فرمودند: «ما جای خلوت نداریم.» این مطلب بدان جهت بود که آنان نتوانند مطالبی را بر خلاف اظهار کنند و چند نفر، شاهد صحبتهای آنان باشند.»<sup>۳</sup>

### ۱۱. تصمیم آگاهانه

«گاهی اوقات ممکن است تردید در تصمیم گیری موجب شکست شود. حضرت امام همیشه به موقع و به جا

## ۱۲. طلبه‌های سرباز

«به یاد دارم روزی که احتمالاً عید غدیر بود، با پدرم به حضور امام رسیدیم. علما و روحانیون نیز جمع بودند. من دیدم عده‌ای سرباز با موها و ریشه‌های تراشیده و کلاه به دست به محضر امام آمدند و زانو زدند و دست امام را بوسیدند و نشستند. معلوم شد که اینها طلابی هستند که توسط رژیم طساغوت از لباس روحانیت خارج شدند و به اجبار آنان را به سربازی برده‌اند. حضرت امام با لحنی بسیار محکم بدون اینکه تغییری در قیافه شان پیدا شود، فرمودند: «شما وظیفه تان که عوض نشده، فقط قیافه و لباستان تغییر کرده. هر جا که هستید، به وظیفه خود عمل کنید! در آنجا هم وظیفه از شما سلب نمی‌شود. فنون نظامی را فرا بگیرید که در آینده به دردتان خواهد خورد. هیچ مسئله‌ای پیش نیامده است. روحیه خودتان را حفظ کنید!» طوری حضرت امام با آنان صحبت کردند که آنان احساس قدرت و قوت کردند. برخورد بسیار هوشیارانه و مدبرانه حضرت امام

قضیه‌ای را که می‌توانست موجب رخوت و ضعف شود، به یک نقطه قوت و اعتماد به نفس تبدیل کرد.<sup>۱</sup>

## ۱۳. دقت در عملکرد مسئولین

«روز رأی‌گیری برای وزیر نفت و وزیر برنامه و بودجه بود و برای آقای مهندس محمد جواد تندگویان به عنوان وزیر نفت و مهندس موسی خیر به عنوان وزیر برنامه و بودجه رأی‌گیری به عمل آمد و آنان به وزارت انتخاب شدند. پس از اعلان نتیجه رأی‌گیری، ضمن تبریک گفتن به این دو برادر و آرزوی توفیق برای آنان، گفتم: اینکه در اثنای جلسه من چند دقیقه از جلسه خارج شدم، به این خاطر بود که از من خواسته بودند با دفتر امام تماس بگیرم؛ زیرا با من کار مهمی داشتند. من در تماس با دفتر حضرت امام با حاج احمد آقا صحبت کردم. ایشان از سوی امام تذکری داد که مرا شدیداً تحت تأثیر قرار داد؛ زیرا فهمیدم که همه لحظاتی که ما در مجلس هستیم و همه تصمیماتی که

۱. دکتر محمد رحیبی، به نقل از: پرتوی از خورشید، ص ۴۰۷.



می‌گیریم، همه و همه زیر نظر امام است و از دفته‌های حسابگرانه ایشان خارج نیست.»<sup>۱</sup>

#### ۱۴. شناختن نقطه ضعف دشمن

«وقتی که از حضرت امام سؤال شد که چه عاملی و چه انگیزه‌ای ایشان را بر آن داشت تا از پاریس به ایران بیایند؟ ایشان فرمودند: «من دیدم مقامات آمریکا مستقیم یا غیرمستقیم تهدید می‌کنند که از آمدن به ایران خودداری کنم؛ لذا دریافتم که اینها از رفتن ما به ایران نگران هستند.»

ایسن تیزبینی و ژرف‌نگری حضرت امام است و توجه دارند که نقطه ضعف دشمن در کجاست و دشمن در چه موقعیتی قرار دارد و چگونه باید به او ضربه زد و این واقعاً از ویژگیهای مهم و اساسی ایشان است.»<sup>۲</sup>

همچنین روزی که به مدرسه فیضیه حمله شد (فروردین سال ۱۳۴۲)، امام به پا خاست و این توطئه را خنثی کرد. هنوز یک هفته از فاجعه نگذشته بود و هنوز درب خانه بسیاری از علما و مراجع باز نشده بود و

بسیاری از روحانیون و طلاب جرئت نمی‌کردند با لباس روحانیت در خیابانها ظاهر شوند و مردم جرئت نداشتند به منزل علما نزدیک شوند و هنوز همه جا وحشت و رعب و ترس حکمفرما بود که یکباره دیدیم اعلامیه‌ای از سوی حضرت امام صادر شد به نام «شاه دوستی یعنی غارتگری». این اعلامیه بسان آبی بود که بر آتش ریخته شد.»<sup>۳</sup>

#### ۱۵. اهتمام به کسب خبر

«توجه حضرت امام [همواره] به مسائل ظریف [بوده است] از جمله شنیدن اخبار که برای اکثر افراد هنوز جا نیفتاده است و فکر می‌کنند اگر اتفاق بیفتد، بالاخره خبردار می‌شوند؛ اما حضرت امام علاوه بر شنیدن اخبار ایران که مرتب در جریان آن بودند، سر ساعت اخبار کشورهای دیگر را که به زبان فارسی پخش می‌شد، می‌شنیدند.

۱. آیه الله هاشمی رفسنجانی، به نقل از: روزنامه

جمهوری اسلامی، شماره ۳۸۱، ۵ مهر ۱۳۵۹.

۲. حجة الاسلام والمسلمین سید حمید

روحانی، به نقل از: پای به پای آفتاب، ج ۳،

ص ۱۴۸.

۳. همان، ص ۸۱.

کرده اسلام در همان خلاصه می شود. برخی اسلام را در عبادت، نماز، روزه، خلاصه کرده اند و در مقابل هم عده ای اسلام را در مسائل سیاسی خلاصه کرده اند که اسلام یعنی سیاست یعنی مبارزه با ظلم، حالا نماز نخواندیم هم نخواندیم. دسته ای هم اسلام را در خدمت به خلق خلاصه کرده اند و می گویند که عبادت به جز خدمت خلق نیست. و حال آنکه اسلام همه اینها را دارد. اسلام نماز، سیاست، خدمت به خلق، مبارزه و جهاد و... دارد. رهبر انقلاب این ویژگی را داشتند که در سیاست در حد اعلای مهارت و تخصص بودند، از مسائل عبادی غافل نبودند و در همان شرائطی که در مسائل عبادی و نیایش و توجه به مسائل معنوی و روحانی بودند، از مسائل اجتماعی و علوم اسلامی غافل نمی شدند.»<sup>۳</sup>

بسرادارانی موظف بودند تمام روزنامه هایی که در خارج کشور در مورد ایران مطلبی می نوشتند، ترجمه کنند و همان شب به دست امام برسانند و ایشان وقت می گذاشتند و مطالب را می خواندند.»<sup>۱</sup>

«حضرت امام در به دست آوردن اخبار حتی از رادیوهای بیگانه اهتمام فراوانی داشتند تا جایی که اگر قبل از اذان صبح و بعد از مناجاتها و راز و نیازهای شبانه و نماز شب وقتی باقی می ماند که می توانستند از بولتنهای خبری مختلف استفاده کنند، این کار را می کردند. حتی سه روز پس از عمل جراحی که حال حضرت امام رو به بهبودی گذاشته بود، دستور دادند تلویزیون بیاورند تا از آن استفاده کنند.»<sup>۲</sup>

### ۱۶. بینش اسلامی عمیق

«خاطره ای از بینش اسلامی عمیق ایشان است که شاید رمز موفقیتشان در نهضت اسلامی هم همین بود. متأسفانه در مورد شناخت اسلام و حقایق اسلامی انحرافات بی وجود آمده و هر کس یک بُعد از اسلام را چسبیده و فکر

۱. خانم مرضیه حدیده چی (دباغ)، به نقل از: مجله زن روز، شماره ۹۵۳، بهمن ۱۳۶۲، ص ۵۱.  
 ۲. حجة الاسلام والمسلمین علی اکبر آشتیانی، به نقل از: پرتوی از خورشید، ص ۴۱۲.  
 ۳. حجة الاسلام سید حمید روحانی، به نقل از: سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی علیه السلام،

## ۱۷. آینده نگری

«امام همواره تلاش می کردند در نظر دادن و در پاسخ به سؤالات به خصوص سؤالات اجتماعی و سیاسی آن قدر دقیق باشند که دشمن نتواند در خلال پاسخ امام سوء استفاده بکند و شخصیت صنفی یا جمعیت خاصی را آسوده کند. امام اولین شخصیت روحانی در جهان اسلام بودند که با قاطعیت و با روشنی کامل اجازه فرمودند که از مبارزان فلسطینی حمایت شود و در صنوف مبارزات آنها، مسلمانان در صورت تمکن شرکت کنند و اگر مالی ندارند، از وجوه شرعیه (عمدتاً زکات) کمک کنند. این فتوا صریح ترین و روشن ترین و شاید اولین فتوا از نوع خودش بود که امام بیان فرمودند. این فتوا در وقتش در ایران انعکاس مثبتی داشت. مبارزین ایرانی با شور و هیجان، آماده پاسخ به این ندا و انجام وظیفه شدند. در همان زمان شخصی فرصت طلب که در کسوت لباس روحانی بود و مسجدی را در تهران اداره می کرد، مدعی شد که من شخصاً

از طرف امام مأمورم و نوشته‌ای و یا پیغامی دارم که وجوه شرعیه مردم را به نفع فلسطینیها جمع و ارسال کنم. عده‌ای از دوستان در تهران از طرفی خوشحال بودند که امکان دسترسی با واسطه به امام فراهم آمده و این وجوه جمع آوری می شود و به مردم فلسطین خواهد رسید و از طرفی هم تعجب می کردند که چطور این شخص با وجود افراد دیگر انتخاب شده است. در صدد بر آمدند از امام سؤال کنند. جناب آقای کربوبی نامه‌ای نوشتند و توسط آقای احسانی به نجف فرستادند. از امام سؤال کرده بودند: شخصی به این نام مدعی است که از طرف شما اجازه دارد کمکها را برای فلسطینیها جمع آوری کند. آیا واقعیت دارد؟

من نامه را خدمتشان بردم. امام نامه را خواندند و گفتند: «من این نامه را جواب نمی‌دهم؛ زیرا نام شخص در آن برده شده و ایشان با یکی از شخصیتهایی که در صراط مرجعیت

شما عرض می‌کنم که رئیس جمهور جمال عبد الناصر آماده‌اند هر گونه کمک و مساعدتی که در این راه بدان نیازمند می‌باشید، اعم از پول و اسلحه و غیره در اختیار شما قرار دهند و شما را در ادامه این راه مقدس تا رسیدن به پیروزی یاری دهند. امام پاسخ دادند: «مبارزات ما مربوط به امور داخلی کشور ماست و در انجام و ادامه آن به هیچ گونه مساعدت و دخالت دیگران نیازی نداریم.» بعدها که امام در زندان بودند، متوجه شدیم شخصی که خود را دیپلمات مصری معرفی کرده بود، فرستاده رژیم شاه بوده که بدین وسیله می‌خواست بهانه‌ای علیه امام به دست بیاورد که با بینش و آگاهی امام توطئه خشتی شد.<sup>۲</sup>

### ۱۹. دقت در جزئیات

«بنده اول انقلاب سخنگوی دانشجویان پیرو خط امام بودم و در

۱. حجة الاسلام و المسلمین دعایی، به نقل از: سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۷۴.

۲. برگرفته از: مجله شاهد، شماره اسفند سال ۱۳۷۰.

است، در ارتباط می‌باشد. طبیعی است با پاسخ منفی من هم این شخص و هم آن شخصیت روحانی در مسیر مرجعیت لطمه خواهند خورد و از حیثیت ساقط می‌شوند. شما به صورت کلی سؤال طرح کنید که آیا کسی تا به حال از طرف شما دستوری برای جمع آوری کمکها داشته یا نه؟ من هم پاسخ خواهم داد.» حضرت امام تا این حد آینده‌نگر بودند و به آینده اصناف و نوع شخص یا شخصیتها حتی با چند واسطه در پاسخگویی به سؤالات هوشیاری داشتند.<sup>۱</sup>

### ۱۸. توطئه بزرگ

«قبل از واقعه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ که رژیم شاه به دنبال بهانه‌هایی برای پرونده سازی علیه امام می‌گشت، شخصی که خود را دیپلمات در لبنان معرفی می‌کرد، با وساطت یک روحانی ایرانی با امام ملاقات کرد و اظهار داشت که از طرف جمال عبد الناصر مأمورم که مراتب سپاسگزاری و قدردانی ایشان را از مبارزاتی که علیه اسرائیل در ایران به عمل می‌آورید، محضر شما ابلاغ کنم. ضمناً خدمت

تا این حد امام پیش بینی وقایع را می‌کنند.»<sup>۲</sup>

### ۲۱. مخالفت هوشیارانه

«زمانی بود که من اصرار داشتم امام بر کتاب حجاب مرحوم شهید مطهری تقریظی بنویسند تا معلوم شود این کتاب مورد تأیید ایشان است و به این ترتیب، در جامعه خوب جا بیفتد؛ ولی امام با نظر من مخالفت کردند و فرمودند: اگر من تأیید کنم، کسانی که ایشان را تخطئه می‌کنند، فعال‌تر می‌شوند و مسئله جنبه سیاسی پیدا می‌کند.»<sup>۳</sup>



۱. ابراهیم اصغر زاده، به نقل از: روزنامه رسالت، تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۷۱.
۲. میر حسین موسوی، به نقل از: مجله حضور، شماره ۲.
۳. حجة الاسلام سید محمود دعایی، به نقل از: برداشتهایی از سیره امام خمینی علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷۲.

همان لانه جاسوسی پشت صفحه تلویزیون بارها با یک اورکت آمریکایی ظاهر می‌شدم؛ اما متوجه این قضیه نبودم تا اینکه یک مرتبه امام فرموده بودند: «چیزی که ایشان می‌پوشد، چیست؟ آیا ساخت وطن است؟» این چیزی بود که خود من متوجه نشده بودم، ولی امام تا این حد در مسائل دقیق بودند.»<sup>۱</sup>

### ۲۰. پیش بینی وقایع

«در ایامی که وزیر امور خارجه بودم، پس از شهادت شهید رجایی و باهنر در شهریور سال ۱۳۶۰ خدمت امام رفتم و گفتم: برای اولین بار ما می‌خواهیم در سازمان ملل شرکت کنیم. امام فرمودند: من با اصلش موافقم و مخالف نیستم؛ ولی پیش بینی کرده‌اید که آیا به شما اجازه می‌دهند یا نه؟ گفتم: آنچه ظاهر امر نشان می‌دهد، اطمینان‌آور نیست. امام فرمودند: مثلاً شما فکر کرده‌اید که اگر شما بروید پشت تریبون بایستید، ممکن است یک‌باره بلندگوها را خاموش کنند و شما را تحقیر بکنند؟ این نکته‌ها برای من تکان دهنده بود که